



## نقوش و طرح های بافته های بلوچ خراسان و تبیین زمینه های کاربرد آنها در تاپستری

آزاده یآوری

کارشناس ارشد نقاشی

azadeh.yavari۱۳۵۹@gmail.com

### چکیده

رواج نقش ها در هر منطقه از ایران بر مبنای آداب و رسوم و اعتقادات ساکنان آن شکل گرفته و مفاهیم بنیادی و رمزآمیز آنها دارای اهمیت می باشد. نقوش قوم بلوچ به عنوان میراثی از زیبایی طرح و نقش و با قدمت آریائیان مورد توجه قرار می گیرند. این قوم در زمان نادرشاه افشار به طرف خراسان کوچانده شده اند. نقوش بلوچ با درآمیختن در طرح های رایج در خراسان به بقاء خود ادامه داده و تحت عنوان نقوش بلوچ خراسان شناخته می شوند. در عصر حاضر ایجاد شرایطی برای ارائه این طرح ها در سطوح ملی و جهانی مدنظر است. یافتن راهی که این میراث گرانبها را حفظ نماید در مبحث بافت های جدید " تاپستری " مطرح می گردد. لذا برای پاسخ به سوالات، یافتن درک مشترک بین نقوش بافت های سنتی و موضوعات معاصر و چگونگی نمایش آنها، پس از شناخت قوم بلوچ، نقشهای مشترک با ساکنین و اقوام دیگر مناطق خراسان جمع آوری شدند، سپس تاپستری و موارد ارائه آن تبیین گردید. اطلاعات بدست آمده از طریق کتابخانه ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شد. بدین ترتیب شناخت و مفاهیم نگاره ها و تاریخچه و طریقه بافت های آنها و تسلط و تطبیق با روش های اجرای تاپستری، همچنین درک موضوعات اجتماعی و هنری و ارتباط با مجامع بین المللی برای هنرمندان می تواند گامی موثر برای معرفی و ارائه نقوش بلوچ خراسان می باشد.

۲۰ mm

۳۰ mm

کلمات کلیدی: قوم بلوچ، نقوش بلوچ خراسان، تاپستری

### ۱. مقدمه

با توجه به پیشینه تاریخی اقوام ایران، قوم بلوچ به عنوان یکی از شاخص ترین آنها شناخته می شود. ابتدا آنها در منطقه سیستان و بلوچستان ساکن بوده اند. بخشی از این قوم بعدها به علت شرایط سیاسی حاکم به طرف خراسان



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

کوپانده شده و در مناطقی سکنی گزیده و فرهنگ و آداب و رسوم خود را با محل سکونتشان در آمیخته اند. لذا نقوش و طرحهای زیبای بلوچ که ریشه در بینش این قوم دارند. در دستبافته های عشایر بلوچ خراسان حائز اهمیت است و شناخت و درک آنها در ارتباط با نقوش و طرحهای ساکنان دیگر خراسان مدنظر قرار می گیرد. نقش های بافته هایی که طی سالیان دراز سینه به سینه در حافظه تاریخی آنها برجا مانده و در منطقه خراسان با توجه به موقعیت های جدید و همنشینی با اقوام کرد شمال خراسان و ترکمن به بقاء خود ادامه داده اند. در عصر حاضر و برداشت های مختلف از هنر بافت، ما را به ارائه روش های جدید تحت عنوان تاپستری سوق می دهد که با بکارگیری نقوش و طرح های بلوچ خراسان به بیان، اجرا، ایجاد خلاقیت، ارتباط درون فرهنگی و برون فرهنگی مناطق مختلف ایران و جهان همراه با موضوعات جامعه پردازیم. برای نیل به اهداف: " جستجو کردن وسعت الزام به تاپستری معاصر در راههایی که میراث روایت رسانه برای سامان دادن سیاسی، زیباشناسی و موضوعات شخصی گفتمان رایج است." و " معرفی تاپستری نقوش و طرحهای بلوچ در همه نقاط ایران و جهان" (میلر، ۲۰۱۶). سوالات زیر مورد توجه قرار میگیرند:

۱. چگونه نقوش تاپستری سنتی با مفهوم متن نوشته معاصر و موضوعات اجتماعی و سیاسی رایج ارتباط می یابند؟
۲. چگونه بازدیدکنندگان در فضا و مکان تاثیرگذار بافت های تاپستری معاصر همراه با نقوش موردنظر، می توانند داستان زمان خود را بیان کنند؟

## ۲. تاریخچه و تعاریف

### ۱.۲. تاریخ و معرفی قوم بلوچ

نخستین بار در ادبیات فارسی به بلوچها اشاره شده است و در دایره المعارف اسلامی بلوچ کلمه قدیمی پارسی است که به معنای " گل تاج خروس" یا " تاج" است. اقوام بلوچ و منطقه بلوچستان را به نام مکا (mekā) ( به گفته هروودت میکا) و یونانیان "گدروزیا" می نامیدند، در کتیبه های داریوش هخامنشی نیز به آن اشاره شده است (نورائی، ۵۱۳). آنها همراه با کوچ آریاییان وارد سرزمین ایران گشته اند. گویش این اقوام هند و اروپایی، به زبان پهلوی اشکانی و نیز پهلوی اوایل دوره ساسانی نزدیک است (همان، ۵۱۴). طوایف بلوچ در حال حاضر در سیستان و بلوچستان، خراسان بزرگ، کرمان و ورامین ساکن می باشند (همان، ۵۱۴).

### ۲.۲. نقوش قالی های بلوچ

نقوش قالی های بلوچی شناخته شده، بسیار گسترده بوده و گاه در برگزیده نقشمایه های مقتبس از نقوش فرش دیگر نقاط ایران است. اقوام عشایری که نقوش سایر اقوام را به عاریه می گرفته اند آن را در شیوه های طراحی و و رنگ آمیزی خود حل کرده و شاید بتوان گفت نقشی نو آفریده اند. در مورد دسته بندی نقوش این قالیچه ها، باید از دو جهت به آن نگریست، یک طرح هایی که دارای اسامی و نام های بومی است. دیگری طبقه بندی کلی است در دوازده گروه شناخته شده در تیپ شناسی فرش در ایران بررسی می گردد. نقوش قالیچه های بلوچی در هفت گروه: محرابی، قالی، تکراری واگیره، ترنجی، درختی، محرمات و تصویری آن جاگرفته اند. اما تعدادی از مهمترین طرح های بلوچی که با نام محلی و بومی شناخته شده اند به شرح ذیل می باشد:

۱. طاووسی ۲. بته ۳. ماه و نیم ماه ۴. قورباغه گل ۵. مددخانی ۶. مارگل ۷. چشمه گل ۸. بلوچی ۹. تیموری ۱۰. کشمیری



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۱۱. دوگلی ۱۲. نقشه قابی هشت ضلعی ۱۳. رتیلی بدون قاب ۱۴. بته ۱۵. ستاره با قاب و بدون قاب ۱۶. درخت زندگی ۱۷. قابی شش ضلعی ۱۸. نقشه های گلی و ماهی گونه بدون قاب ۱۹. چندضلعی دندانه دار و بته در داخل قاب های کوچک ۲۰. قابی لوزی ( با استقرار قطری قاب ها و محرمات گونه) ۲۱. اشکال صلیبی بدون قاب (نورائی، ۵۱۷، ۵۱۸).

## ۳.۲. ویژگیهای طرح ها و نقوش قالی بلوچ

سیاووش آزادی در کتاب ارزشمند قالیبافی در آیین بلوچ در صفحه ۵۷ نقوش و طرح های بلوچ را معرفی می - کند که خلاصه آن به شرح زیر است: " طرح های بلوچ هندسی بوده و از خطوط برگردان استفاده نمی کنند اما ممکن است خطوط منحنی را با استفاده از خط های مستقیم کوتاه در طرح ها به وجود آورد به اصل شبکه ای بودن، گل و بوته بودن و تکراری بودن یا سریالی از ویژگیهای طرح ها و نقوش بلوچ است " (احراری، حاجی، نظامی، ۵۸۳).

آرمن هانگلدین در رابطه با طرح ها و نقوش قالی بلوچ خراسان این گونه اظهار نظر می کند: تکرار نقش های هندسی مهم از طرح های شناخته شده قالی ایرانی، ترکی و ترکمنی و بخش زیادی از تولیدات اختصاص به سجاده های مستطیل شکل و ساده دارد و این طرح شامل نقش درخت زندگی است که زمینه را می پوشاند طرح های کوچک تزیینی متنوعی شامل جانور و پرند نیز شامل می شود (احراری، حاجی، نظامی، ۵۸۴).

## ۴.۲. بافته های عشایر بلوچ خراسان

تربت جام و تربت حیدریه ( تولیدکنندگان قالیچه های بلوچ در خراسان) از شهرهای شرقی و مرکزی استان خراسان هستند. از سالهای قبل به عنوان بزرگترین مرکز تهیه قالیچه های بلوچ شهرت خود را حفظ نموده و هم اکنون به عنوان بزرگترین مرکز تولید و عرضه و فروش قالیچه های بلوچی سهم عمده ای در تولید فرش این استان دارند. طوایف مختلف بلوچ در خراسان در زمان سلطنت نادرشاه افشار به خراسان انتقال یافته و در شهرهای درگز، سرخس، تایباد و حتی مشهد اسکان یافتند. برخی از مهمترین طوایف بلوچ خراسان عبارتند از: پری کاری، کوه کن، عیسی زایی، زردادخانی، سالارخانی، سیدمحمدخانی، چاکرزایی، شانبری و سنگ چولی (ژوله، ۱۸۲).

## ۵.۲. نقوش و طرحهای عشایر بلوچ خراسان

بر اساس کتاب تاریخ فرش ایران عمده ترین و در عین حال شناخته ترین طرح های قالیچه های بلوچ که به صورت ذهنی بافته می شوند و به همین نام ها شهرت یافته اند عبارتند از:

کلاه دراز یا کلاه بلند، سه خشتی، گاو و برج، سنگ چولی، گل شفتالو، فتح الله خانی، یعقوب خانی، مددخانی، علی اکبرخانی، گوزنی، چشمه گل، دخترقازی، کله قازی یا گل شیخی، طاووسی، گل بادامی، برگ تاکی، گل اشرفی، گل ستاره، تیمنگ، چهار مرغ، عبدالسرخ کاشمر، پر جلکی، کشمیری (ژوله، ۱۸۲ و ۱۸۳).

با توجه به کتاب پژوهشی در فرش ایران توصیف برخی از نقوش و کتاب طرح و نقش فرشهای عشایری روستایی خراسان شمالی، تصاویر طرحهای بلوچ با تغییر در فرم های فرعی یا نام یا رنگ نقوش ترکمن، کرد و بومی آن منطقه به شرح زیر است:



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

- سه خشتی : علی خرسندی از تولیدکنندگان فرش کردی در مورد نقش صندوقی (معدن) معتقد است این طرح از بلوچ ها اقتباس شده است. نقش مربع شکل طرح صندوقی توسط بلوچهای ساکن تربت حیدریه، سرخس و قاین بافته می شود (کمندلو، ۲۰۱) مانند شکل های ۱ و ۲ بافندگان بلوچ با حذف عناصری از نقش سالورگلو و تبدیل هشت ضلعی به مربع به این نقش رسیده اند که شبیه خشت با آجر است (همان، ۲۰۲).



شکل ۱ و ۲ : طرح خشتی

- سنگ چولی: طرح درخت در دستبافته های بلوچ که با نام درخت زندگی شناخته شده است از سایر طرح ها مجزا بوده و منحصر به این قوم تعلق دارد... در این مجموعه یکی از مهمترین آنها درخت تاک است که با نقشمایه برگ تکی متجلی می شود و درختانی چون بید مجنون و سرو نیز در این مجموعه قرار دارند. سنگچولی نام محلی طرح درختی در میان اقوام بلوچ است (احراری، حاجی، نظامی، ۵۲۱).

- گل شفتالو: گل شفتالو از نقوش اصیل بلوچ های ساکن استان خراسان است . این قوم سالیان گذشته از نواحی جنوبی خراسان یا مشرق ایران به نواحی تربت حیدریه، سنگان، خواف، رشتخوار، جنگل، زاوه، قاسم آباد در مرز افغانستان و قسمتی از شمال خراسان مهاجرت کرده و امروزه به طور ثابت مقیم شده اند. در شکل های ۳ تا ۶ این نقش در فرش های کردی به چهار صورت است: تزئین فضای متن با نقش مایه گل شفتالو، محاط شدن گل در قاب لوزی شکل، قرارگرفتن انارها و گل های ستاره ای جدا از یکدیگر، محاط گل در قاب هشت ضلعی ( کمندلو، ۲۱۴، ۲۱۵).

به عبارتی شکل کلی گل شفتالو ترکیبی از نمادهای گیاهی (انار) و آسمانی (صلیب) است و در کنار هم قرارگرفتن این دو نماد خورشیدی (انار و صلیب) بر باورهای قدیمی مردم خراسان گواهی می دهد. صلیب مرکز جهان یا نقطه ارتباط بین آسمان و زمین و صورت مثالی انسان است (همان، ۲۱۶).



شکل ۳ و ۴ و ۵ و ۶ : گل شفتالو



# نقش خراسان در شکوفاسر معماری ایرانی اسلامی

- یعقوب خانی : نگاره هزارپا در قالی های شمال خراسان مشابه نقش دیگری است که در بازار فرش مشهد با نام قلمدانی شناخته می شود. مطابق طرحهای ۷ و ۸ این نقش همانند هزارپا مستطیل شکل و در ردیف های طولی بافته می شود، اما زائده های T شکل در قسمت طولی و اشکال مثلثی در قسمت بالا و پایین آن متفاوت با نقش هزارپا است. این نقش اقتباسی از قالیچه های مددخانی یا یعقوب خانی بافت منطقه تربت جام است (کمندلو، ۱۷۶).



شکل ۷ و ۸ : نقش یعقوب خانی

- مددخانی : نقش مایه ساده شده پنجه مرغ در گل مددخانی و چیات اشتر به کار می رود . محل قرارگرفتن آن در فرش های در استان خراسان جنوبی همراه با نقش پامرغی، در قسمت میانی و هسته مرکزی گل بافته می شود (کمندلو، ۲۸۸)

علی حسوری در معرفی نقش چیات اشتر در قالی های بلوچی می نویسد: "مایگان قالی به شکل گل بزرگ هشت ضلعی با میان مایه شش ضلعی که به چهار قسمت تقسیم شده که دو به دو با هم متقابل به راس و متقارن هستند. در هر بخش از میان مایه یک و در بیرون آن سه پای مرغ دیده می شود (همان، ۲۸۸). مطابق شکل ۹ و ۱۰ این نقش را موری گل یا مارگل معرفی کرده است... نیاز محمد محمد نیازی نقش گل ترکمن (فیل پای گل) را جای پای اشتر نامیده است (همان، ۲۸۹).



شکل ۹ و ۱۰ : طرح مددخانی

- چشمه گل : نقش آینه گل به اعتقاد سید هاشم افشار زاده این نقش در اصل متعلق به فرش های بلوچی خراسان بوده و کردهای شمال خراسان آن را اقتباس کرده اند. روستای چشمه گل تربت جام منطقه اصلی بافت این نقش است. بلوچ های خراسان این نقش را با ایجاد حاشیه های بسیار ظریفی که به طور معمول با گل گرد کوچک و رنگهای تیره و روشن و نقش چلیپا تزیین و قاب های آینه گل را از یکدیگر جدا می کنند (کمندلو، ۳۳۰).

با توجه به شکل های ۱۱ تا ۱۳ صورت دیگری از نقش آینه گل که عناصر تزئینی به کاررفته در آن همچون نقش آینه گل در یک قاب مستطیل شکل قرار می گیرند، با این تفاوت که یک قاب لوزی قاب مستطیل را به چهار قسمت تقسیم می -



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

کند. قسمت مرکزی لوزی نقش صلیب ماندی به صورت پلکانی بافته شده و در مرکز آن یک شش ضلعی قرار گرفته است. رنگ بندی متضاد باعث جداسازی آنها از یکدیگر شده است. تنها تفاوت چشمه گل و آینه گل در عناصر تزئینی درون قاب مستطیل شکل است (همان، ۳۳۰ و ۳۳۱).



شکل ۱۱ و ۱۲ و ۱۳: نقش چشمه گل

- دخترقازی: قالیچه های کوچک نمازی که بلوچ ها و سیستانی ها در حوالی زابل می بافند دارای ویژگی تزئینی و نقش کاملا متفاوتی با طرح های محرابی سایر مناطق است. به طوریکه قوس طاقنما به صورت مستطیل یا مربع است که طاقنما نیز درون مستطیل قرار می گیرد... عمدتا ترکیبی از طرح های برگ تاک، گل بادامی، جقه های ترکیب شده است. در مواردی طرفین فوقانی ترین بخش محراب با نقش مایه تجریدی از پنجه دست یا نگاره ای شبیه آن زینت داده شده و با نام های مختلفی چون پنجه اکبر، فاطمه و ... مشهور است (نورایی، ۵۱۸).

- کله قازی یا گل شیخی: به احتمال زیاد نام محلی دیگر دخترقازی و در گروه طرح های محرابی قرار دارد (نورایی، ۵۱۹).

- طاووسی: نقوش تزئینی مورد اشاره گوشه ای از طرح درخت انگور در هنر ایرانی است که به تدریج یا همزمان در هنر قالی بافی عشایر بلوچ با الهام گرفتن از این آثار، آن را به شیوه خود بر دست بافتنشان اجرا کرده اند، در شکل شماره ۱۴ تلفیق نقش برگ تاک بلوچی و همچنین اشیاء مفرغین دوسری از ناحیه لرستان کشف شده، نقشی زیبا همچون طاووس دوسر را خلق کرده است (کمندلو، ۱۳۷).



شکل ۱۴: نقش طاووس

- گل بادامی: نقشمایه بته از نقشمایه های رایج در قالی بلوچ است که با سبک هندسی بافته می شود و به صورت واگیره ای تکراری طرح کلی فرش را می سازد و به بته بادامی نیز مشهور می باشد و با نام های محلی بته جقه و بته مرغی نیز معروف است (نورایی، ۵۲۱).



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

- برگ تاکی: نقش گل برگ چناری، تاکی یا برگ مویی و نقش سرو در برخی بافته های بلوچی دیده می شود که زائده های اطراف آن به صورت کله مرغی درآمد است، باتوجه به شکل ۱۵ تکرار آن در سطح فرش به احتمال بر طلب باران گواهی می دهد(کمندلو، ۱۳۵).



شکل ۱۵: نقش برگ تاکی

استفاده از این تزئین برگ چناری(مویی) توسط بافندگان بلوچ روستای موسی آباد واقع در شهرستان خواف و مطابق شکل ۱۶ در متن برخی سجاده ها کاربرد داشته و در بین بلوچ ها این نقش به نام برگ تاکی مشهور است(کمندلو، ۱۳۶).



شکل ۱۶: نقش برگ تاکی

- گل ستاره : نقش ستاره هشت پر در قالی های بلوچ به شکل محاط شده در قاب هشت ضلعی بافته می شود. بلوچ ها هر دو نوع ستاره (ترکیب مربع با مثلث و ترکیب هشت ضلعی) را برای تزئین بافته هایشان به کار می برند. مطابق شکل ۱۷ در یکی از فرش های بلوچ بافنده با محاط کردن ستاره هشت پر در قاب هشت ضلعی و تکرار آن به نوعی طرح قاب قابی را همراه با حاشیه رتیلی یا خرچنگی ایجاد کرده است(همان، ۱۶۶).



شکل ۱۷: نقش گل ستاره



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

نقش هرگله (ستاره قلابدار) از نقوش اصیل فرشهای عشایری و روستایی اقوام ایرانی از جمله بلوچ ها، لرها، چهارمحال و بختیاری، ترکمن های یموت، قزاق و شاهسون های خمسه است. با توجه به شکل ۱۸ این نقش به صورت هندسی و در قاب هشت ضلعی بافته می شود، با این تفاوت که هر ضلع آن به صورت پلکانی است. از راس پله ها، خطوط شکسته یا زائده هایی خارج شده که در برخی از بافته ها به نگاره کله مرغی/ شاخ قوچی است (کمندلو، ۱۴۷). نقش خمچر، خرچنگی یا رتیلی همانند طرح ستاره قلابدار یا هر گله در بیشتر مناطق فرش بافی ایران توسط بافندگان روستایی و عشایری و روستایی بافته می گردد (همان، ۱۵۰).



شکل ۱۸: نقش گل ستاره

- تیمنگ: فرش های ترنجی بیشتر در روستای تیمنگ بخش مرکزی تربت جام بافته می گردد و به نام همین روستا نیز مشهور است. مطابق شکل ۱۹ ترنج های بسیار بزرگ (نقش اصلی قالی) با توجه به ابعاد فرش در یک یا چند ردیف بافته می شوند. توصیف شکل کلی این ترنج ها بسیار مشکل است، می توان گفت در مرکز این ترنج ها یک شش ضلعی عریض قرار دارد که از آن شانزده بازو خارج شده است، این بازوها نیمی روشن و نیمی تیره هستند و انتهای آنها با اشکال کله مرغی تزئین شده است.



شکل ۱۹: نقش تیمنگ

- چهار مرغ: نقش مایه پرندگان از جمله نقشمایه های رایج در قالی بلوچ خراسان می باشند که شاید برگرفته از محیط های پیرامون شان و یا ریشه گرفته از باورهایشان می باشد. نقش قاسم آبادی از جمله نقوش زیرمجموعه نقوش مرغی می باشد که در کتاب فرهنگ جامع فرش ایران این گونه تعریف شده است: "از طرح های معروف قالیچه بلوچ است، وجه ممیزه این قالیچه ها وجود مرغان به ویژه طاووس به طور مکرر و حیوانات چون آهو و بافت ریز آن است. حیوانات و پرندگان در این طرح که دو به دو روی به روی هم و معمولا ۴ تا ۸ (عدد) بافته می گردد. قالی های معروف با طرح چهار مرغ در اطراف زیرکوه قائنات بافته می شود (نورائی، ۵۲۰).





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

- عبدالسرخ کاشمر: یکی از نقشمایه های طرح های قابی و به شکل خشت، مربع یا مستطیل با اضلاع کنگره دار است که طرح در مرکز آنها قرار می گیرد (نورائی، ۵۲۰).

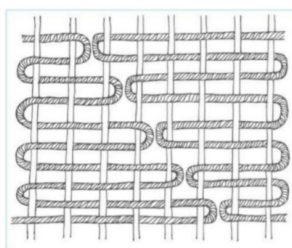
- کشمیری: هراتی ها، تکراری واگیره هایی هستند که با نقش مایه های متفاوت که در طول و عرض فرش تکرار می شوند و یکی از معروف ترین طرح های تکراری واگیره ای بلوچ طرح کشمیری یا هراتی است (نورائی، ۵۲۰).

## ۶.۲. تاپستری

بافتن تاپستری یک عمل جادویی مخلوط کردن نخها برای بوجود آوردن یک دیوار پر از قدرت و ظرافت است. با یک نخ سست شروع، که شما می توانید آنها را با استفاده از نخهای رنگی و بافت بهم بیچید و یک اثر زیبا همراه با استحکام و ظرافت را برای خود و بیننده خلق کنید. بافت تاپستری یک فرم خاص و تاریخی از بافت است و مانند همه بافتها نیازمند تارهای موازی تحت کشش. پودهای ناپیوسته، بسیار بیشتر از پود های پیوسته در بافت صنعتی و مابقی بافتها، که از گوشه راست پود اضافه و لبه به لبه حرکت می کنند. پودهای کوتاه تر یعنی آزادی تغییر دادن رنگ برای بافنده در زمان کمتر. تاپستری دارای بیشترین تطبیق پذیری، احتمال بیشترین چالش و بی شمار روش بافت است. با پیشرفت بافت، پودها کاملا پنهان می شوند، از این رو اصطلاح پارچه رو به پود بوسیله پود تصویری ایجاد و به آرامی بافته می شود. بافت بر اساس شبکه ای و حرکت پودها از گوشه راست به طرف های نازک لازم خواهد بود تا زمانی که نمونه های نازک تر مورد نظر باشد. مقیاس پیچیدن اغلب ضخامت پودها را تعیین می کند. پیچیدن درشت به معنی تصویر برجسته، بافت قویتر و پودهای ضخیم که بستگی به سرعت بافت دارند بوده و بافت های نازک اجازه اجرای جزئیات دقیق و ظریف و سرعت بافت کمتری را می دهند. هر کدام شایستگی های خود را دارند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد. بافت تاپستری آسان است. انتظار بخشی از تاپستری بوجود آوردن تکه های که شما لذت بخش برای بافنده و در بیننده ایجاد جذابیت، تحریک به تفکر و حرکت است. برای بلند کردن تارهای می توان از دست یا پدال استفاده کرد که همه آنها بستگی به مهارت بافنده دارد..... مواد سنتی برای بافت پود های پشم، ابریشم و نخهای فلزی و تارها پشم، کتان و گاهی باتوجه به جای بافت ابریشم و نخ های طلا برای نشان دادن منسوجات هستند. امروزه بافندگان از مواد متنوع تری استفاده می کنند که شامل کتان دولا برای تار و مواد سنتی مانند کتان و الیاف مصنوعی و حتی کاغذ، نوارهای لباسها، رافیایا، سیم ها برای پود می باشند (سوروکا، ۲۰۱۱).

روشهای بافت تاپستری به طور کلی به دو دسته تقسیم شده و به صورت ذهنی و ترکیبی با روش های سنتی بافته می شود.

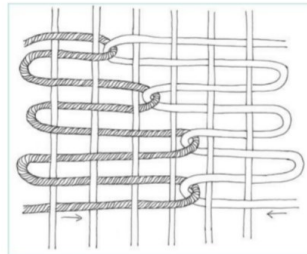
روش کلی اول: مطابق شکل ۲۰ تارها به وسیله پود های نا پیوسته که به صورت کامل تارها را می پوشانند، انتخاب شده است (همان، ۲۰۱۱).



شکل ۲۰: روش اول



روش کلی دوم: مطابق شکل یکی از انواع فراوران روشهایی که پودها برای جلوگیری از شکاف های تاپستری می -  
توانند به هم بپیوندند (همان، ۲۰۱۱).



شکل ۲۱: روش دوم

### ۳. تبیین روشها و مراحل تاپستری

برای اجرای تاپستری به طور کلی می بایست از ریشه و اصل تاریخ بافت مطلع بود و سپس با شناخت تجهیزات، مواد، تکنیک های پیشرفته بیشتر و چگونگی برگرداندن طرحها به تاپستری شروع کرد. سپس زمینه ها را در فرآیند اجرا را به ترتیب زیر مدنظر قرارداد (میلر، ۲۰۱۶):

الف: بررسی جایگاه نقوش و بافتها تاپستری، تمایلات جامعه، بررسی اتفاقات جهانی بی ینالها، تری ینالها (استرالیا، کانادا، لهستان، لیتوانی، ژاپن) به عنوان منابع.

ب: آنالیز تحقیق نقش سنتی بافندگان تاپستری و معرفی روایت آنها به صورت کیفیت متنی لمسی که مرتبط با عصر حاضر است.

ج: درک مفاهیم نقوش و استفاده جدی از منابع نمادشناسی فرهنگی، اسطوره شناسی، مکتب رماتیک و ضربه های جهانی برای بیان داستان شخصی هنرمندان.

د: انتخاب منابع معاصر برای دو موضوع:

۱. غیرشهری با موضوعات اسطوره ای و ارجاع تاپستری های (گلیم های) نوستالژیک به سنت و شهرها
۲. موضوعات شهری معاصر

و: تعریف فضاهاى نمایشی برای بیان نوزایی و چالشهای خاص که بتواند فضای موردنظر در بین دیوارها را بیان کند. دیوارهایی که همزمان جایگذاری می شوند تا دید آزاد بصری و فیزیکی شناور بین موضوعات متنوع را امکان پذیر کنند. بدین ترتیب موضوعات معاصر و نقوش هم به صورت موضوعی منحصر بفرد و هم به صورت مرتبط با هم با یکدیگر در تعامل هستند (میلر، ۲۰۱۶).

### قدردانی

در پایان مراتب سپاس و قدردانی خویش را استاد گرامی مرحوم اصغر کفشچیان مقدم دارم. آموزه ها و راهنمایی های ایشان در زمینه تاپستری و هنر معاصر مبنای انتخاب این مقاله بوده است.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## نتیجه گیری:

زندگی ما خیلی زیاد و زیادتر به وسیله تکنولوژی های دیجیتال و کلماتی که دقت و وضوح کمتر دارند نوشته شده و تسخیر شده تا نسبت به تصاویر، تصاویری که امکان دوباره مواجه شدن به وسیله رسانه ای همچون تاپستری قابلیت بیان شدن را ایجاد می کنند. گذر از شکل دیجیتال و لذت لمس چیزهای لمس کردنی را در ارتباط بین موضوع اثر، بیننده و هنرمند را به همراه می آورد. می توان گفت بیننده را به فکر وامی دارد. پاسخ بازدیدکنندگان به تاپستری باعث برگزاری نمایشگاه های بعدی و معرفی فرهنگ و نقوش و طرح ها خواهد شد. باعث گسترش تفکر گذشتگان که بیشتر مبنای طبیعت بوده می گردد. با توجه به ویژگی شبکه ای و خلاقانه بودن نقوش بلوچ در تاپستری قابل اجرا می باشد. هر دستاورد، تحقیق موردی تاثیر خلاقیت سرپرستی بافته به همراه نقوش را به عنوان قابلیت سازمانهای هنری برای استقرار نهادی در همه طبقات و سطوح جامعه زیرسازی می کند. به هنرمندان تاپستری درک بهتر از پیشینه تاریخی، خلاقیت بیشتر، چالش های انجام بافت های عملی هنرمندان در رقابت های ملی و سطح جهانی را در عصر دیجیتال می دهد.

## مراجع

۲۰ mm

۱. مجموعه نویسندگان. (۲۹ تا ۳۰ آبان ماه ۱۳۸۶). مجموعه مقالات دومین سمینار ملی تحقیقات فرش دستبافت. جلد دوم. تهران.
۲. ژوله، تورج. (۱۳۹۰). پژوهشی در فرش ایران. تهران: یساولی.
۳. کمندلو، حسین (۱۳۹۵). طرح و نقش در فرش های عشایری روستایی خراسان شمالی. سمنان: دانشگاه سمنان.

منابع انگلیسی

۴. Milar, L. (۲۰۱۶). Tapestry : a narrative for iur times.
۵. Soroka, J. (۲۰۱۵). Tpestry weaving: Design . And technique.